

ماجرای عشق و عاشقی میدون

گازانبر وارد می‌شود



پوری عالمی

• من میدون هستم. میدون دوم، عاشق سوфіا. بابای سوфіا اما عاشق من نیست. دیروز هم که رفتم خواستگاری، بابای سوфіا گفت: پسر به نظرت گازانبر بهتر است یا کلید؟

گفتم: به‌هرحال با جفتش می‌شود از شر یک قفل رها شد. ولی از قدیم گفتند گره‌ای را که با دست می‌شود باز کرد با دندان باز نمی‌کنند. قفلی را هم که با کلید می‌شود باز کرد با گازانبر نمی‌افتند به جانش. بابای سوфіا گفت: آقای قالیباف به آقای روحانی تیکه انداخته که «آنهايي که نتوانستند با کلید مشکل مردم را حل کنند، بهتر است قفل نزنند». نظرت چیست؟

گفتم: به نظرم آقای قالیباف چون الان چندسال است توی شهرداری کار می‌کند به کنترات عادت کرده. شاید منظورش این است که دولت نباید اداره کشور را کنتراتي بدهد به پیمانکاران شهرداری و خلاص.

نتیجه‌گیری: به شهرداری تهران گفتند «گر تو بهتر می‌زنی بستان و بز». فکر کرد بستان یعنی بوستان. در نتیجه درخت‌های بوستان را قطع کرد و تغییر کاربری داد و فروختش به بخش خصوصی تا مجتمع تجاری توش بسازند.

پیشنهاد

فرهادپور و فلسفه قاره‌ای

• شرق؛ مراد فرهادپور و ارسلان ریحان‌زاده، با همکاری آف‌استودیو و مؤسسه فرهنگی-هنری موج نو، دوره‌ای با موضوع فلسفه قاره‌ای برگزار می‌کنند. این دوره شش جلسه‌ای با عنوان «فعال‌سازی مجدد مفهوم امر مطلق» به آرا و نظرات کونتین میسو و چرخش رئالیستی فلسفه قاره‌ای می‌پردازد. در این دوره که از روز جمعه، ۳۱ اردیبهشت، برگزار می‌شود، بناست در بخش اول هر جلسه، استدلال‌های اصلی کتاب پس از تاهمی مطرح و سپس زمینه‌ای برای ورود به بحثی انتقادی با این استدلال‌ها فراهم شود.

شرق

روزنامه

www.sharghdaily.ir

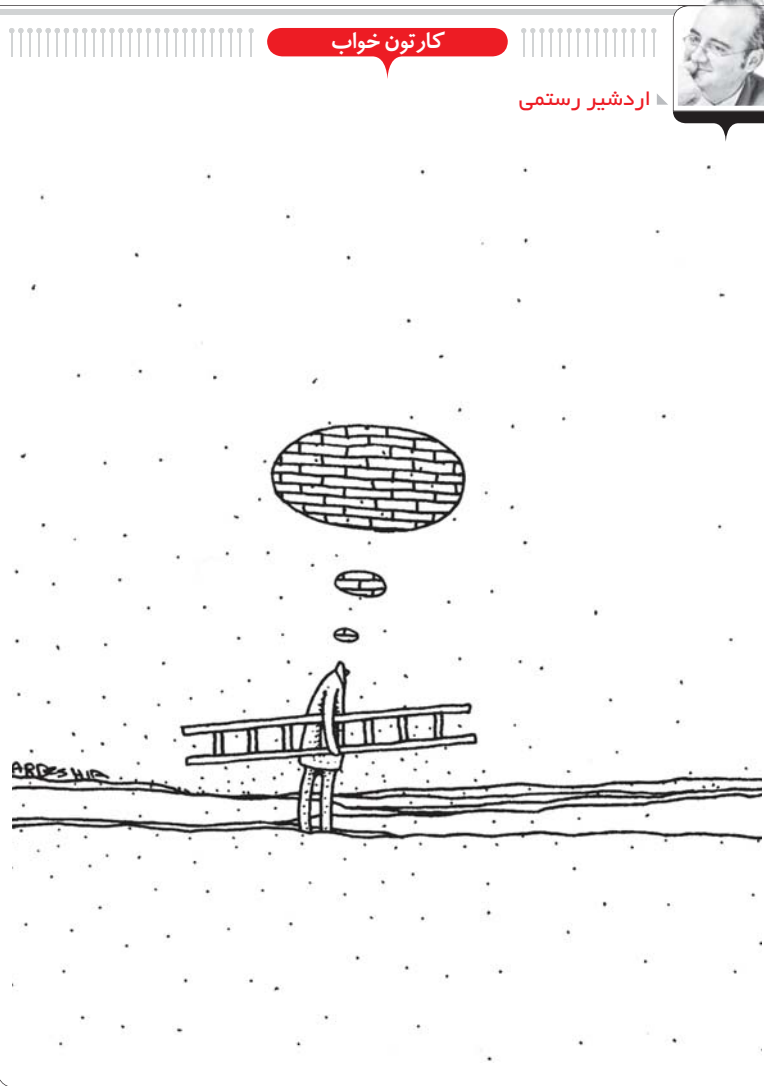
شنبه ۱ خرداد ۱۳۹۵ • ۱۴ شعبان ۱۴۳۷ • ۲۱ می ۲۰۱۶ • سال سیزدهم • شماره ۲۵۸۸ • ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۲۰:۲۸ • اذان صبح فردا ۴:۱۴ • طلوع آفتاب ۵:۵۴

روزنامه‌فردا

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

اردشیر رستمی



سلام به فردا

عشقی که از دل برمی‌آید

باعث سربلندی کشور هستند، نمی‌چرخد و من معتقدم همین جشن‌ها، همین نیمه شعبان‌ها، همین آذین‌بندی‌ها و حتی روزهای عزاداری می‌تواند آثاری را تولید کند که هزار سال دیگر به چشم و گوش خواننده و شنونده آن دلنشین باشد؛ چراکه از دل برخاسته‌اند. فردوسی، حافظ و مولانا چرا به جان و دل برای مردم ما عزیز هستند؟ چون دستمایه آنها چیزی نیست جز زندگی خود مردم. در زندگی مردم روزهایی مثل همین نیمه شعبان است که نام جشن را بر آن گذاشته‌اند و چون رویدادی ملی همه در برگزاری آن شرکت می‌کنند. روزهایی که هر سال تکرار می‌شود و سنت‌هایی را می‌سازد که برای پاسداشت آن لازم نیست کسی به مردم سفارش کند و به آنها بگوید چگونه آن را برگزار کنید؛ مثل تمام اعیاد دیگری که از دل مردم است، عید نیمه شعبان نیز یادآور خاطره‌های خوش است و شادی.



پری صابری

خلق اثر هنری مثل یک صاعقه است؛ صاعقه‌ای که ناگهان در دل آسمان روشن می‌شود و شما هیچ چاره‌ای جز تماشای آن ندارید. مثل عشق است؛ عشق دو دل‌داده که هیچ قانونی را نمی‌توان برای آن تعریف کرد؛ حتی نمی‌توان تعیین کرد چه کسی و کجا جرقه این عشق را زده است. فرهنگ عامه و زندگی روزمره مردم پر است از لحظاتی که می‌تواند صدایی را در وجدان شما ایجاد کند که پی آن صدا را بگیرید و به آفرینش برسید؛ از این‌رو اعیاد و جشن‌های مذهبی همیشه برای من محترم بوده‌اند. همیشه برای آنها ارج و ارزش قائل بوده و هستم. وقتی شما مردمی را می‌بینید که برای نیمه شعبان،

اتفاق

در ستایش بطالت

رویا صدر: نمی‌دانم آیا شهرداری معظم پایتخت در دستگاه اداری عریض و طویل نظرسنجی خود، بخشی را به سنجش بازخورد بیلوردهای تبلیغاتی‌اش نزد شهروندان اختصاص داده یا نه؟ اگر آری، ممنون خواهم اگر بگوید از زمان نصب بیلوردهایی مبنی بر اینکه تبدلی و بی‌کاری بد است و کارکردن امر پسندیده‌ای است و آدم بی‌کار در معرض وسوسه شیطان، افزایش وزن و سکتة قلبی قرار دارد، به‌جز دست‌اندرکاران تهیه و نصب این بیلوردها چند نفر دیگر سر کار گذاشته شده‌اند؟ چند آدم بی‌کار و عاطل با خواندن آنها نور هدایت در دلشان تابیده و خودشان را جذب بازار کار کرده‌اند و دعا به دین و دولت شهرداری می‌کنند که با ارشادات بجا و به‌موقع خود، آنها را از گرداب ویرانگر بی‌کاری و تبدلی نجات داده است؟ و درنهایت، چند درصد با خواندن این بیلوردها، از کوره در رفت‌اند و گفته‌اند: «اصلا من دلمس می‌خواهد بی‌کار و تبدل باشم، به شهرداری چه مربوط؟!» که حتی این استدلال غریب هم، در چارچوب تعریف اختیارات مغفول‌مانده شهروندی، چندان هم حرف بی‌ربطی نیست!

محمود برآبادی: هرچند رده‌بای نهادهای مدنی را در گذشته‌های دور می‌توان یافت، اما این نهادها با سازوکار فعلی، محصول دوران جدیدند؛ دورانی که جامعه تکامل یافته، تقسیم‌کار اجتماعی صورت گرفته و روابط اجتماعی پیچیده‌تر شده است. نهادهای مدنی به یک تعبیر، حدواسط دولت‌ها و مردم‌اند. هرچقدر نهادهای مدنی در جامعه قوی‌تر و فعال‌تر باشند، نشان‌دهنده رشد آن جامعه است. نهادهای مدنی کارکردهای متفاوتی دارند و از امور خیریه گرفته تا انجمن‌های فرهنگی و گروه‌های اجتماعی در شبکه‌های مجازی را دربر می‌گیرند، اما همه در یک چیز مشترک‌اند و آن غیرانتفاعی‌بودن آنهاست. غیرانتفاعی بودن به این معنا نیست که درآمد و هزینه ندارند، یا به افرادی حقوق نمی‌دهند یا در قبال اجرای پروژه‌ای پول دریافت نمی‌کنند، بلکه به‌این معناست که اعضا و گردانندگان آن سودی دریافت نمی‌کنند؛ هرچند ممکن است بابت کاری که انجام می‌دهند، دستمزدی یا حق‌الجلسه‌ای بگیرند. در این‌گونه نهادها اغلب کارها داوطلبانه انجام می‌شود و افراد با نیت خیرخواهانه و بشردوستانه در

آن فعالیت می‌کنند. غیرانتفاعی و داوطلبانه‌بودن گرچه فواید بسیاری دارد اما یک عیب هم دارد و آن این است که بسیاری از اعضا انگیزه‌ای برای این‌گونه فعالیت‌ها ندارند. چنین وضعیتی نهادهای مدنی را نیمه‌فعال می‌کند. انجمن نویسندگان کودک‌ونوجوان هم که وارد هجدهمین سال فعالیت خود شده و چندروز دیگر یازدهمین مجمع عمومی خود را برگزار می‌کند، از این قاعده مستثنا نیست. هرچند بیش از ۴۵۰ نویسنده، شاعر، مترجم و پژوهشگر ادبیات کودک در آن جمع شده‌اند اما عملاً یک‌چهارم اعضا فعالند و بقیه یا درگیر کارهای خود هستند، یا انگیزه‌ای برای فعالیت داوطلبانه ندارند. درست آن است که این انجمن‌ها به‌سوی نهادهای صنفی و سندیکایی پیش بروند و مدیریت اجرایی به‌دست افراد حرفه‌ای سپرده شود و به آنها حقوق پرداخت و از آنها مسئولیت خواسته شود و وظیفه هیات‌مدیره فقط نظارت بر عوامل اجرایی باشد، اما مادامی که چنین نشده، این نهادها همچنان به افراد خیرخواه، دلسوز، مسئول و متعهد که حاضر به انجام کار داوطلبانه باشند، نیاز دارند.



بنیاد حفظ آثار
و نشر ارزش‌های دفاع مقدس

گرامی باد

سالروز آزادسازی
خرمشهر

سوم خرداد (۱۳۶۱)